



امام حسین(ع) سید و سرور و سالار، پرچمدار و علمدار و الگوی مقاومت در تمامی عصرها و دوران‌ها هستند.

الگوهای نهضت حسینی

برای محور مقاومت

بدون شک هر مجاهدی در هر کجای جهان اسلام در قالب محسو مقاومت در حال مبارزه و جهاد فی سبیل‌الله با دشمنان دین و امام‌حسین(ع) است، بهترین و عظیم‌ترین الگوبیش حضرت سیدالشهدا اباعبدالله‌الحسین(ع) و پرنورترین چراغ راه و برترین راهنمایش درسهای نهضت حسینی است.

پیروان اباعبدالله‌الحسین و شاگردان مکتب حسینی و مدافعان حرم تا کنون مؤثرترین الگوبری‌ها را از نهضت حسینی داشته‌اند و در آینده نیز یقیناً تقویت و تعالی در این عرصه را سرلوحه حماسه‌آفرینی‌های‌شان قرار خواهند داد. برجسته‌ترین معیارها و



قبل از تولد، پدر محسن خواب می‌بیند که جلوی حیاط خانه باغی از درخت گل‌محمدی سبز شده، طوری که درخت‌ها تا ایوان خانه قد کشیده و مادر خواب می‌بیند که از درخت گل محمدی غنچه‌ای که تازه شکفته می‌چیند. بعدها خود محسن برای مادر این‌گونه تعبیر می‌کند که گل سرخ علامت شهادت است…

شهید محسن حاجی‌جعفری در تاریخ دوم اردیبهشت سال ۱۳۳۶ در خانواده‌ای محقر در کاشان متولد شد. از همان ایام طفولیت زنگ و مدافع مظلوم بود؛ اگر بچهای می‌خواست به بچه دیگری زور بگوید به دفاع برمی‌خواست.خلواه‌اش با اینکه وسع مالی پایینی داشتند اما او را تشویق به تحصیل کردند و به مدرسه فرستادند. به این ترتیب، در سن ۷ سالگی وارد مدرسه آقا بزرگ شد. از همان زمان از یاد دادن درس به دیگر دوستانش کوتاهی نمی‌کرد. خوندن قرآن را از کلاس چهارم ابتدایی آموخت. بعد از اتمام کلاس ششم ابتدایی در سه ماه تابستان درس جامع‌المقدمات را شروع کرد گرچه تصمیم نداشت وارد حوزه شود اما علاقه خاصی به فراگیری عربی و علوم دینی داشت. دوره دبیرستان را در مدرسه اسلامی (کوی دومسجدان) تا سه سال خواند. در همان ایام به مسجد آیت‌الله شیخ علی‌آقا نجفی راه یافت. از همان زمان به جلسات سیاسی مذهبی علاقه پیدا کرد و انگار گمشده‌ای داشت که در این جلسات جست‌وجو می‌کرد این بودکه به جلسه آقای کریمی راوندی راه یافت که در آن زمان جلسات این برادر بسیار پر شور بود. از جمله کارهایی که در این جلسه می‌شد علاوهبر خوندن قرآن و تصحیح حمد و سوره فتاوی رساله امام را که کسی جرات نداشت حرفی از آن بزند برای اهل جلسه بازگو می‌کرد و در آخر دعای توسل خوانده می‌شد. به این ترتیب راه حوزه علمیه را در پیش گرفت و وارد مدرسه علمیه آیت‌الله تبریزی شد و بعضی درس‌ها را در مدرسه سلطانی (امام فاعلی) شروع کرد.

آغاز مبارزات انقلابی

در بدو ورود به مدرسه حقایق فعالیت خود علیه رژیم‌جنایتکار پهلوی را آغاز کرد و به هر کس از اقوام و آشنایان که می‌رسید بحث نقد حکومت را شروع می‌کرد. آن زمان اگر کتاب‌هایی چون ولایت فقیه و یا کشف اسرار امام خمینی(ره) دست کسی دیده می‌شد، با مجازات زندان و شکنجه از سوی رژیم شاه تنبیه می‌شد، اما محسن حاجی جعفری این کتاب‌ها را تهیه کرده و مطالعه می‌نمود و به دیگر دوستان مطمئن برای مطالعه می‌سپرد.

سال ۵۴ در اوج خفقان شاهنشاهی تاریخ آریستون حادثه‌ای بظاهر کوچک ولی افاق بسیار بزرگ بود؛ ۱۵ خرداد سال ۵۴ طلاب مدرسه فقیهیه برای یادبود ۱۵ خرداد سال ۴۲ مراسم عزاداری و قرآن خوانی برپا کردند. چند لحظه‌ای نگذشته بود که نیروهای شاهنشاهی دور مدرسه را به محاصره درآوردند. محسن که در این مراسم شرکت کرده بود قبل از محاصره برای تهیه غذا برای افراد بیرون آمده و در بازگشت با گاردی مواجه شده بود. هر چند که نتوانسته بود به داخل مدرسه راه یابد اما غذای طلبه‌ها که مقداری نان و خرما بسود را به داخل فقیهیه رد کرده بود. پس از سه روز محاصره، مزدوران شاه به داخل فقیهیه هجوم بردند. آنها به هیچ‌کس رحم نکردند، طلبه‌ای

شاخص‌های مکتب اباعبدالله الحسین و نهضت حسینی را با استناد به دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای مرور می‌نماییم.

برخی فضایل و کمالات امام حسین(ع) و ویژگی‌های نهضت حسینی که رهبر انقلاب در سخنرانی‌های مختلف تبیین نموده‌اند، عبارت‌اند از:

– محکم بودن دل و استواری در امواج بلا
– تصمیم و توکل به خدا در مصیبت‌ها
– عزّت الهی
– جهاد و عرفان
– ذکر و تضرع و یاد و توشل از لحظه اوّلی میدان حماسه و جنگ تا لحظه آخر و شهادت
– معنویت و عزّت و سرافرازی و درعین‌حال عبودیت و تسلیم مطلق در مقابل خدا
– اخلاص و انقطاع الی‌الله و اعتماد به خدا
– صاحب عزیزترین معارف و راقی‌ترین مطالب معرفتی شدن

– رعایت کردن وظیفه خدایی و دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی و انگیزه‌های مادی در کار
– موقعیت‌شناسی
– بصیرت و استقامت
– مبارزه با حکومت فاسد و منحرف و ظالم و سرکوبگر
– مبارزه با جهل و زبونی انسان
برخی ویژگی‌های نهضت حسینی که رهبر انقلاب تشریح نموده‌اند:
– قیام‌الله، قیام برای ارزش‌های اسلامی و معرفت و ایمان و عزت
– سکوت نکردن در برابر ظلم، تسلیم نشدن و پافشاری بر هدف
– حرکت برای خدا و دین و اصلاح جامعه مسلمین

شاخص‌های نهضت حسینی در بیانات رهبر انقلاب

کامران پورعباس

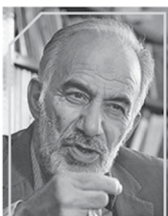
صفحه ۷

چهارشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۲

۸ محرم ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۳۵۸



سیدحسن نصرالله



سردار ابراهیم محمدزاده



دکتر رمضان عبدالله



شیخ ابراهیم زکزاکی



شهید عدا مغنیه



شهید سیدمحمدباقر حکیم



شهید محسن ججی



شهید حبیب شیرازی



شهید محسن فقری‌زاده



شهید حسین فعدانی



شهید حسن طهرانی مقدم



شهید حسن شاطری



شهید اوردو آنلی



شهید مصطفی چمران



شهید ابوبکر المنهدس



شهید قاسم سلیمانی

آزار ندیدن نیست. این‌ها جزو شرایط نیست؛ لذا امام حسین علیه‌السلام قیام کرد و عملاً این واجب را انجام داد تا درسی برای همه باشد…

امام حسین علیه‌السلام از لحاظ عملی، درس بزرگی به همه تاریخ اسلام داد و در حقیقت، اسلام را هم در زمان خودش و هم در هر زمان دیگری بیمه کرد.

هرجا فسادی از آن قبیل باشد، امام حسین در آن‌جا زنده است و با شیوه و عمل خود می‌گوید که شما باید چه کار کنید.

تکلیف این است؛ لذا باید یاد امام حسین و یاد کریلا زنده باشد؛ چون یاد کریلا این درس عملی را جلو چشم می‌گذارد.» ۱۹/۰۳/۱۳۷۴

جاودانگی نهضت حسینی

جاودانگی نهضت حسینی حقیقتی عظیم و نورانی است که جهان و جهانیان بر آن اتفاق‌نظر دارند.

مقام معظم رهبری در این‌باره می‌فرماید: «حادثه عاشورا، در اوج قلهٔ فداکاری و شهادت باقی ماند و همچنان تا قیامت باقی خواهد ماند.»۲۶/۰۳/۱۳۷۲

و در جای دیگری می‌فرماید:

«قاعدتا تکته‌ای توجه را جلب می‌کند و آن این است که این شخصیت‌های عظیمی که هر کدام به نحوی امروز سرتاسر تاریخ بشر را روشن کرده‌اند - حسین‌بن‌علی علیه‌السلام، امام سجاد علیه‌السلام، حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) - کسانی هستند که در دوران خودشان، به گمان باطل مادی، به‌کلی نابود و هضم شدند …

ولی می‌بینید که واقعت قضیه این‌طور نیست. این‌ها تمام نشدند؛ این‌ها ماندند و روزیبه‌روز بر عظمت و جلال و جذابیت و تأثیرگذاری‌شان افزوده شد؛ دل‌ها را قبضه و تصرف کردند و دایره وجود خودشان را گسترش دادند. امروز صدها میلیون مسلمان - اعم از شیعه و غیر شیعه - به نام این‌ها تبرک می‌جویند؛ از سخن این‌ها استفاده می‌کنند؛ یاد آن‌ها را گرامی می‌دارند. این‌ها پیروزی در تاریخ است؛ پیروزی حقیقی و ماندگار.» ۲۲/۰۸/۱۳۷۸

معرم نامه-۳

بوی عشق

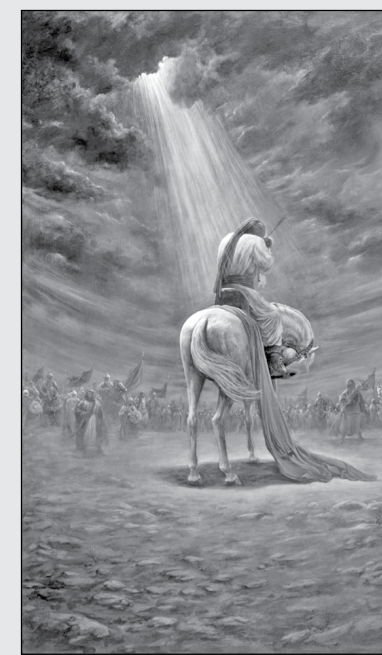
ابوالقاسم محمدزاده



لحظه‌ها را می‌شمارم تا به ساعت و ساعت را به روز برسانم. روزها را می‌شمارم تا به شما برسم و به دامن بزرگی چنگ بزنم. می‌دانم حجاب‌ها مانع رسیدن می‌شود اما آقا جان! با خودم زمزمه می‌کنم این لحظه‌ها و روزها را که نشان از عاشقی و اردات به شمامست. آرام آرام به محرم نزدیک می‌شویم و ذکر لب‌های ما عاشقانه‌های شمامست و عشق بازی با نامتان. آخر بوی محرم می‌رسد تا تشنه‌ای را از جام محبت سیراب کنی؛ بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کریلا می‌رود با هر نفس این دل به سوی کریلا تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده تا بنوشم جرعه‌ای من از سبوی کریلا

شهامتی از جنس حسین (ع)

مریم عرفانیان



محرم به محرم با فرات،
بسر مظلومیت حسین و یارانش
اشک می‌ریزم
آه خدا...
این چشم‌های پرگناه، لیاقت این اشک‌ها را ندارند...
برای دلدادگی، راهی دیگر باید جست
برای دلدادگی، باید سَر داد...
اینست سبِ سَرهای رفته بر نیزه
سریند «یا ابوالفضل» بر پیشانی می‌بندم
و
برای دفاع از حریم حرم، راهی دشق می‌شوم
ای اهل حرم میر و علمدار نیامد /
سقای حسین سید و سالار نیامد
علمدار نیامد...
علمدار نیامد...
برخی که می‌ترک کار تمام است
برخی که می‌ترک تمام گره‌ها بی‌دست باز می‌شوند
حسین از معرکه نیامد
و
اهل بیتش را به امانت گذاشت
یا اباعبدالله،
حواسم به اهل بیت و عترت هست؛ اما...
دل را چه کنم؟
دلی که منتظر دیدار یار است؟
دلی که قدم به قدم تا دمشق، حلب و خان‌طومان آمده...
جمعه به جمعه، در خانه انتظار را می‌زنم
«لَیْلَهُمْ عَجَلٌ لَیْلَتِکَ الْفَرَجُ»، ذکر هر روز و هر شبم شده
ندایی آسمانی نهیب می‌زند که
زبانی تشنه و تنی پر نیزه داشتن شهامت می‌خواهد
شهامتی از جنس حسین،
پس بخوان...
«وَ اَنْ یَّرْقُبَیْ طَلَبَ ثَاری مَعَ اِمَامِ هَدًی...»

– بیمه کردن اسلام
– نجات تاریخ، بیدار شدن وجدان مردم
– زنده نمودن دین پیامبر، زنده شدن اسلام و بقای دین
– به وجود آمدن قیام‌های ضدظلم در ادوار مختلف
– زمینه‌سازی برای ایجاد حکومتی بر اساس حاکمیت ارزش‌های الهی- و قرآنی پس از چند صد قرن
وظایف مردم در قبال نهضت حسینی
وظایف مردم در قبال نهضت حسینی و عزاداری محرم از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عبارت است از:
– اقامه هر چه بیشتر مجالس عزاداری
– مجالس عزاداری را وسیله‌ای برای ایجاد اتصال هرچه محکم‌تر میان خود و حسین‌بن‌علی، خاندان پیامبر و روح اسلام و قرآن قرار دادن

– مبارزه با حاکم فاسد ظالم جائر
– نابود کردن فساد و امنیت پیدا کردن مظلومان
– عمل به تکلیف، عمل به احکام و سنن الهی
– ماندگار نمودن خطّ توحید، خطّ حاکمیت الله، خطّ دین و خطّ نجات و صلاح انسان
– نجات مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت
– احیای اسلام و ستّ پیغمبر و نظام اسلامی
– قرار دادن حاکمی که در خطّ مستقیم الهی باشد و اسیر جاذبه‌های شیطانی و مادی نشود، در صدر حکومت
– برافراشته کردن پرچم‌های دین و ارائه شاخص‌ها به مردم
– نابودی حاکمیت‌های علیه ارزش‌های اسلامی و انسانی و الهی
– آشار و برکات قیام امام حسین(ع) که رهبری برشمرده‌اند:

آن‌ها که حوزه برگشت این‌یار مصمم‌تر از اول و با پشت کار زیادی پی گیر درس بود و می‌خواست که برای اسلام بیداری کشیده و چه بسیار رنج‌هایی که برای دفاع از اسلام خریدار بود.

همیشه و همه جا حرفش این بود که از امام و اسلام فاصله نگیرد. در آخرین لحظات زندگی به پسرش این‌گونه وصیت می‌کرد: «باسم، آداب و اخلاق اسلامی را هیچ‌گاه فرواش نکن و برای موفقیت خویش با نفست مخالفت کن. یاسر!م!خط امام را رها مکن...»

اعزام به جبهه

اسا او نیز مثل خیلی دیگر از نیروهای دلادده به امام و انقلاب، با آغاز جنگ، پایش به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل باز شد. زمانی که یعنی‌ها تا نزدیکی‌های دزفول پیش آمده بودند بیش از یک ماه به آن جبهه عزیمت نمود.

بعد از عملیات بستان برای مدت مدیدی جهت تبلیغات از طرف دفتر تبلیغات امام اعزام شد. با وجود تمام مشکلات و مشغله‌هایی که داشت اما خود را به عملیات بیت‌المقدس رساند؛ لباس رزم بر تن کرد و عمامه مقدس روحانیت بر سر نهاد و آماده جهاد شد.

در همان اوایل عملیات، گلوله تانکی نزدیک‌شان خورد، ترکش آن چند نفر از اطرافایش را شهید کرد و نصیحت کن که:

در مسلح عشق زنجو را نکشند
روبه صفتان زشت خو را نکشند
گر عشق صادق ز کشتن مهراس
مردار بود هر آنکه او را نکشند

از همه دوستان و آشنایان می‌خواهم حال که من دستم از همه جا کوتاه است هر رنجش خاطری داشته‌اند و ناراحتی و یا حرفی از من درباره خودشان شنیده‌اند ببخشند.
اما این نیز برایم ثابت است که مرگ در جوار حق اگر فقط به‌سوی حق در جهت اجرای قوانین حق باشد ارزش دارد یا بهتر بگویم اگر برای شهیدی معسوف، بزرگ‌ترین تسبیح‌ها و تبلیغ‌ها و برای شهیدی دیگر اما ناشناخته کمترین احترامات را به‌جای آورند در ارزش حقیقی آن‌دو درجات مقام آن دو نزد پروردگار اثری نخواهد کرد و چه بسا آن ناشناخته مقامش در نزد خدایش برتر باشد. به هر اندازه عمل خاصی باشد ارزش عمل بالاتر است.
لذا از دوستان و پدر و مادر و قایلیم تقاضامندم و خواهش می‌کنم اگر شهید شدم فرقی بین من و بقیه شهدا نگذارند و به همان‌گونه که برای یک برادر بسیجی روستایی یا سرباز شهید روستایی برنامه می‌گیرند برای من هم برنامه بگیرند که روح من از این ظلم در حق آن برادران خشنود و واقعی خود را باز یافت.

از مادر و پدر و زن و فرزندم عذر می‌خواهم که بدون دخاحافظی به جبهه آمدم و خواهش می‌کنم مرا ببخشند. اگر دوستان خواستند کاری برام بکنند نماز شب اول قبر را برای همه شهدا که دستشان از دنیا کوتاه است بخوانند.
خواهش دیگرم این است اگر مقاله‌ای درباره من نوشتند خواهشمندم برای گنده کردن من از دروغ‌ها و غیر واقعیتی که اصلا از آن اطلاع ندارند و راه بود برای هر در مانده‌ای، هر جا که بحث می‌شد و حرفش و کلامش پشتیبانی از اسلام و خط ولایت فقیه بود هیچ‌اا و برهیزی از زورمندی نداشت همه جاسعی می‌کرد همه را به اسلام بخواند و در جلسه و چه در خانه و چه در گفت‌وگوی خیلی ساده با دوست.

آن‌جا که توانست مخفیانه کار می‌کرد و از آن‌طرف برای مردم شای که هنوز خواب بودند و حق و باطل را از هم تشخیص نمی‌دادند صحبت می‌کرد، بحث می‌کرد و از جنایات شاه و دار و دسته‌اش افشاجری می‌کرد. در گردهمایی ساده که خانواده با دیگر اقوام داشت حرف‌های لغو و بیهوده را مبدل به جلسه بحث و گفت‌وگو درباره جنایات شاه می‌کرد.

در جریان زلزله زرد کرمان به یاری مردم شتافت. همراه با دوستانش برای مردم بی‌خانمان شده در آن زلزله سربانه تشکیل می‌دادند و کمک‌رسانی می‌کردند و جلساتی متعدد برای روشنگری آنها برپا می‌کردند.

در تعطیلات تابستان و یا محرم حسینی در هر سال به شهرستان‌ها عزیمت می‌نمود. تا آنکه در تاریخ ۱۷ دی ۵۶ آن جمله توهین آمیز توسط دربار شاه در روزنامه اطلاعات درج شد شهر قم که آماده انفجاری بزرگ بود چرقه‌اش زده شد. طلاب طی یک راهپیمایی ساده و ساکت به خانه یکی یکی علما رفتند و مردم از خواب بیدار شده نیز به‌دنبال

یادی از روحانی شهید محسن حاجی جعفری

گل سرخِ شهادت

سعید رضایی

آنان. محسن یکی از پیشگامان آن راهپیمایی بود. این جریان به دیگر شهرها هم سرایت کرد که منجر به پیروزی انقلاب شد.

محسن در ماه رمضان آن سال جلساتی در محله خود داشت و آن‌قدر علیه رژیم شاه افشاجری می‌کرد که جلسه کوچک مبدل به جلسه‌ای بزرگ شده بود. گروهی از مردم، بیرون از جلسه حفاظت می‌کردند تا اگر خبری شد و نیروهای شاه به جلسه حمله کردند، اعلام کنند تا جلسه تعطیل شود. محسن در سال ۵۷ درست در همان زمانی که تظاهرات اوج گرفته بود ازدواج کرد. بعد از پیروزی انقلاب همان روزهای اول برای پاسداری از اوین به اهلی رفتن بود. پس از مدتی که حزب جمهوری اسلامی در کاشان تشکیل شده بود یکی از اعضای شورا بود و سپس حدود یکسال در جهاد سازندگی مسئول فرهنگی حزب بود. در شهریور ۵۹ برای ادامه تحصیل مجدداً به قم رفت. در آن ایام بنی صدر در فکر تثبیت خود بود و روحانیت و مکتبی‌ها را به تمسخر می‌گرفت. محسن می‌گفت: بنی‌صدر نمی‌داند با چه کسانی طرف است.

محسن می‌گفت، فاصله گرفتن از امام یعنی فاصله گرفتن از اسلام و می‌گفت، بنی‌صدر از موقعی که امام با رفتش به شورای امنیت مخالفت کرد و او به تلاقی و یا به قهر از وزارت خارجه خارده‌گیری کرد خود را رسوا نمود و جدا بودن خود را از خط امام ثابت نمود و بداندین نیزبفترتن ولایت فقیه یعنی خوسرانه عمل کردند.

در ۳۰ آذر ۵۹ از او درخواست شد که برای تثبیت خط ولایت فقیه در سپاه خدمت کند و در فرصت دیگر درس را ادامه دهد. از این لحاظ حدود ۶ مدت مسئول روابط عمومی سپاه کاشان شد و بعد از